

تبیین جایگاه مادر در سبک زندگی اسلامی با تأکید بر آیات و روایات

سپیده انصافی مهربانی^۱، نفیسه بیگی^۲

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: www.sepideh.ensafi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ایران.

Email: www.m.beygi۶۱۵@yahoo.com

چکیده

در طول تاریخ، برای همه انسان ها این سؤال مطرح بوده است که هدف زندگی چیست و انسان برای چه زندگی می کند و در واقع، هدف انسان از زندگی و در زندگی چه باید باشد. آفریدگار این نظام هستی، جهان و انسان را به چه هدفی آفرید. هدف خلقت جهان و انسان چیست. باید توجه داشت، منظور از سؤال یاد شده این نیست که بدانیم غایت این آفرینش چیست، بلکه منظور بررسی هدف و کمال انسان می باشد. به دیگر سخن، ماهیت انسان چیست، تا بررسی گردد، سبک زندگی شایسته آدمی در این جهان، چه می باشد. یکی از ابعاد مهم سبک زندگی چه در اسلام و چه در سایر ادیان بررسی نقش زن بعنوان همسر و مادر می باشد که در سبک زندگی اسلامی در همه جوانب مدنظر می باشد.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، اسلام، زن، مادر، خانواده، نقش اجتماعی، نقش سیاسی، نقش دینی.

Explain the mother's place in Islamic lifestyle with an emphasis on Quranic verses and traditions

Sepideh Ensafi Mehrabani); Nafise, Beigi

1. PhD Student, Educational Sciences and Psychology Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
Email: www.sepideh.ensafi@yahoo.com
2. Ph.D. student, Department Of Education, University of Islamic Azad Tehran, Tehran,Iran.
Email:www.m.beygi۶۱۵@yahoo.com

Abstract

Historically, for all human beings is the question: What is the purpose of life and for the lives of human beings, and in fact, the goal of human life and life should be. Creator of the universe, the universe and humanity to what purpose created. The aim is the creation of the world and man. It should be noted, to the above question is not to know what is the purpose of creation, but also to evaluate the purpose and integrity of humans. In other words, human nature is to be performed, lifestyle, worthy man in the world, either. One of the important aspects of life in Islam and the other religions are investigating the role of woman as wife and mother in Islamic lifestyle in all aspects are taken into account.

Keywords: *Lifestyle, Islam, wife, mother, family, social role, the role of political, religious role.*

۱- مقدمه

سبک زندگی ۱ شیوه ای نسبتاً ثابت است که فرد برای رسیدن به اهداف خود بکار می برد، یعنی راهی برای رسیدن به اهداف زندگی. "سبک زندگی" با تمام زندگی افراد و ابعاد آن، هم در سطح علمی و روانشناسی و هم از دیدگاه دینی و حوزه های علمیه و نیز در سطح توده مردم مرتبط و منشأ اثر است. شاخص های شناخته شده و متعارف در سبک زندگی عبارتست از: فعالیت های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب و بیداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش، تغذیه و ... ؛ اینها هر کدام به منزله بزرگ راهی از راههای زندگی افراد بشمار می رود (کاوپانی، ۱۳۹۱). سبک زندگی، شیوه زندگی فرد است و عواملی همچون ویژگی های شخصیتی، تغذیه، ورزش، خواب، مقابله با استرس، حمایت اجتماعی، و استفاده از دارو را شامل می شود. با ارزیابی سبک زندگی افراد می توان میزان موفقیت های فردی و اجتماعی آنان را در زندگی مورد ارزیابی و بررسی قرار داد (کوکرها، ۲، ۲۰۰۵). سازمان جهانی بهداشت (۱۹۹۸) سبک زندگی سالم را تلاش برای دستیابی به حالت رفاه کامل جسمی، روانی، و اجتماعی توصیف کرده است. سبک زندگی سالم شامل رفتارهایی است که سلامت جسمی و روانی انسان را تضمین می کند. عبارت دیگر، سبک زندگی سالم در بردارنده ابعاد جسمانی و روانی است. بُعد جسمانی شامل تغذیه، ورزش، و خواب است، و بُعد روانی شامل ارتباطات اجتماعی، مقابله با استرس، روش های یادگیری و مطالعه، و معنویت است. سبک زندگی هر فرد متأثر از دو عامل عمده شخصیت فرد و ویژگی های محیط است. این ویژگی ها به طرق مختلفی بر سبک زندگی افراد اثر می گذارند. بعنوان مثال، افراد درونگرا و برونگرا سبکهای متفاوتی در زندگی دارند. اما عامل مهمی که می تواند در سراسر عمر بر سبک زندگی افراد تأثیر بگذارد، ویژگی ها و شرایط محیطی از جمله فقر، اوضاع سیاسی و اقتصادی جامعه، ویژگی ها و شرایط خانوادگی، فقدان والدین و یا همسر، جنگ و ... است (پلاسکر، ۳، ۲۰۰۷).

این سبک حاصل دوران کودکی فرد است؛ عبارت دیگر، سبک زندگی بُعد عینی و کمیت پذیر شخصیت افراد است. به همین علت، نظریه "سبک زندگی" آدلر ۴ نظریه "شخصیت" نیز محسوب می شود. اولین بار، آلفرد آدلر در سال ۱۹۹۲ سبک زندگی را مطرح کرد و این مفهوم را بعدها پیروان او گسترش دادند. او شناخت فرد را مستلزم شناخت سازمان ادراکی و شناخت سبک زندگی او می دانست و معتقد بود سبک زندگی به ایمان و اعتقاداتی اطلاق می شود که فرد در روزهای اولیه زندگی خود کسب می کند و یک الگوی ادراکی جهت دار است (شفیع آبادی، ۱۳۷۱). سبک زندگی مطلوب در سبک زندگی اسلامی تجلی پیدا می کند که منبع اصلی آن کتاب الهی است و زندگی اسلامی در زندگی قرآنی معنا می یابد (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۸۹).

در زمینه شاخص های شناخته شده سبک زندگی می توان به فعالیت های فیزیکی، اوقات فراغت، خواب و بیداری، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی، معنویت، ایمنی و آرامش، تغذیه، و غیره اشاره کرد که هر یک به منزله شاه راهی از زندگی افراد محسوب می شوند. و اینها یکی از راه های بررسی عناصر و مؤلفه هایی است که برای سبک زندگی و درک بهتر مفهوم آن در نظر گرفته شده اند. منظور از مؤلفه، اموری هستند که مصداق عینی سبک زندگی محسوب می شوند (هوروویتز، ۵، ۲۰۰۳، و استمفر، ۶، ۲۰۰۰). در سبک زندگی اسلامی یکی از مؤلفه هایی که مورد توجه است جایگاه زن و مادر می باشد؛ از نگاه مکتب

-
- ۱- Lifestyle.
 - ۲ - Cockerham.
 - ۳- Plasker.
 - ۴ - Adler.
 - ۵ - Horowitz.
 - ۶ - Stampfe.

حیات بخش اسلام، زن نیمی از پیکره اجتماع انسانی و شاهکار آفرینش است. برخلاف دیدگاه های رایج درباره ضعف و نقص در این مخلوق بی نظیر، زن در برخی امور، نظیر امور عاطفی و احساسی، که از سرمایه های معنوی انسان است، بر مرد تفوق و برتری دارد. اسلام، با نگاهی همراه با عزت و احترام، تمام دیدگاه های تحقیق آمیز نسبت به زن در مکاتب و حتی برخی ادیان تحریف شده را مردود می داند، با عنایت به موارد فوق، در این پژوهش برآنیم تا با بررسی مؤلفه سبک زندگی اسلامی، جایگاه مادر را با تکیه بر دستورات اسلامی و کتاب الهی تبیین نماییم.

۲- مفهوم شناسی سبک زندگی اسلامی

واژه "سبک" در زبان عربی از مصدر ثلاثی مجرد به معنی "گداختن و قالبگیری کردن زر و نقره" گرفته شده است. اما امروزه در زبان عربی، از معادل أسلوب برای معنای سبک بهره می برند. این کلمه نخست توسط ابن قتیبه در کتاب الشعرو الشعرا بمعنی شیوه و روش به کار رفته است. در فارسی، این کلمه به معنای روش و شیوه تا این اواخر؛ کاربردی نداشته است، همچنان که اصل بحث سبک شناسی مربوط به دوران معاصر است. برخی صاحب نظران، رضاقلیخان هدایت را اولین کسی می دانند که این کلمه را در کتابش، مجمع الفصحاء به معنی روش به کار برده است (بهار، ۱۳۶۹، ص ۹). اما برخی دیگر، متون قدیمی تری در این زمینه معرفی می کنند (شمیسا، ۱۳۸۳، صص ۱۳۵-۱۳۶). در لغت نامه های جدید دو گونه تعریف از سبک زندگی بعمل آمده است:

اول روش زندگی فرد، گروه یا فرهنگ (وبستر، ۲۰۰۴). و یا روش خاصی از زندگی یک شخص یا گروه (آکسفورد، ۱۹۹۰). که این تعریف بیشتر یک توضیح واژه به واژه از ترکیب سبک زندگی است. دوم، شیوه زندگی یا سبک زیستن که منعکس کننده گرایشها و ارزشهای فرد یا گروه است، عادات، نگرشها، سلیقه ها، معیارهای اخلاقی و سطح اقتصادی که با هم، طرز زندگی کردن فرد یا گروه را می سازد (رندم هاوس، ۱۹۸۷؛ به نقل از فاضلی، ۱۳۸۲، صص ۳۵-۳۶). سازمان بهداشت جهانی ۱ سبک زندگی ۲ را الگوهای مشخص و قابل تعریف رفتار می داند که از تعامل بین ویژگی های شخص، برهمکنش روابط اجتماعی و موقعیت های محیطی و اجتماعی اقتصادی، حاصل می شود (همان). برخی روانشناسان ابداع این اصطلاح را به آلفرد آدلر اتریشی، بینانگذار رویکرد روانشناسی فردی نسبت می دهند (کاویانی، ۱۳۹۰، ص ۲۹). از مهمترین جامعه شناسانی که مفهوم سبک زندگی را محور کارهای خود قرار داده است، آنتونی گیدنز است. از دید او، سبک زندگی مجموعه ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه ای از عادت ها و جهت گیری ها و پس واجد نوعی وحدت و انسجام است (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱). بنابه استدلال میشل سوبل ۳، سبک زندگی پدیده ای ملموس، قابل مشاهده یا قابل استنتاج از مشاهده است. پدیده ای که به بارزترین وجه در الگوهای مصرف، خود را نشان می دهد (سوبل، ۱۹۸۱، ص ۲۱). مفهوم سبک زندگی در ادبیات علمی و فرهنگی بشر نسبتاً جدید است. در اینکه نخستین بار این اصطلاح از سوی چه کسی به کار رفته، میان روانشناسان و جامعه شناسان اختلاف است. برخی جامعه شناسان مدعی هستند که از اصطلاحات ابداعی ماکس وبر، جامعه شناس فرانسوی است (مهودی کنی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱). با اینکه سبک زندگی، مفهومی جدید است، بسیاری از اندیشمندان، سبک زندگی را چگونه زندگی کردن افراد تعریف کرده اند. سبک زندگی متمایزکننده افراد و گروه هاست. برخی اندیشمندان معتقدند سبک زندگی آن نوع رفتارهایی را شامل می شود که قابل مشاهده و معنادار

۱- World Health Organization (WHO).

۲ - lifestyle.

۳- Micheal Sobel.

است بطوریکه باعث تفاوت بنیادین میان گروه های اجتماعی مختلف می شود اما برخی دیگر معتقدند که سبک زندگی علاوه بر رفتارها، شامل ارزش ها، نگرش ها و عقاید نیز می شود (چانی ۱، ۱۹۹۶). بنابراین افراد باید سعی کنند سبک زندگی خود را طوری انتخاب کنند که در ارتباط با دیگران بتوانند اثربخش تر و کارا تر ظاهر شوند. سبک زندگی از دیدگاه های مختلف تعریف شده است. از دیدگاه گیدنز سبک زندگی، روش الگومند مصرف، درک و ارزشگذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چهارچوب زمان و مکان ممکن می سازد (گیدنز، ۱۳۸۵). بوردیو (۱۹۸۴) سبک زندگی را نتیجه قابل رؤیتی از ابراز عادت میدانند. از نظر او، همه چیزهایی که انسان را احاطه کرده اند، مانند مسکن، اسباب و اثاثیه، کتاب ها، سیگارها، عطرها، لباس و ... بخشی از سبک زندگی او را تشکیل می دهند (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵).

از مهمترین حوزه های کاری سازمان های فرهنگی، ترویج و کمک به تحقق سبک زندگی اسلامی است. از مفهوم جامعه شناختی سبک زندگی، دو برداشت و دو گونه مفهوم سازی بعمل آمده است. در فرمول بندی نخست که سابقه آن به دهه ۱۳۱۱ می رسد، سبک زندگی، معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً شاخص تعیین طبقه اجتماعی بوده است. در فرمول بندی دوم، سبک زندگی؛ نه راهی برای تعیین طبقه اجتماعی، بلکه شکل اجتماعی نوینی دانسته می شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگی معنا می یابد. در این معنا سبک زندگی، راهی است برای تعریف ارزش ها و نگرش ها و هویت افراد که اهمیت آن روز به روز افزایش می یابد (تنهایی، ۱۳۸۹، ص ۳۳). مفهوم سبک زندگی بر این اندیشه مبتنی است که هر فردی در زندگی روزمره خود از الگو یا طرح رفتاری مشخص (مانند یک نظم عادی در کار، اوقات فراغت، و زندگی اجتماعی) و تکراری پیروی می کند. به نظر برنارد و کراپات (۱۹۴۴) به نقل از پلادینو (۱۹۹۷) سبک زندگی تصمیم هایی هستند که هر کسی از روی اختیار درباره نحوه عمل روزمره خود اتخاذ می کند. چنین تصمیم هایی بر افزایش یا کاهش خطر مشکلات مربوط به سلامتی تأثیر می گذارد (خوش طینت، ۱۳۹۱، ص ۱۲). سبک زندگی اسلامی نیز که ریشه در آموزه های دین اسلام (اعم از قرآن کریم، روایات، سنت و سیره معصومان) دارد؛ در صدد تعیین و تعریف ارزش ها و نگرش ها و هویت فرد مسلمان (اعم از جوانب فردی و اجتماعی) است. بر همین مبنا، فرهنگ جوامع مسلمان، نقشی مهم در این زمینه ایفا می کند و سازمان های فرهنگی با مدیریت خاص فرهنگی خود، تأثیر چشم گیری در تحقق سبک زندگی اسلامی دارند.

میشلن شیز ۳ محقق دیگری است که از دریچه مفاهیمی؛ مانند "کسب پرستیژ"، "ساز کارهای تأیید" و "قدرت فرهنگی" پدیده سبک زندگی را بررسی کرده است. در رویکرد او "سبک زندگی مجموعه ای از نمادهاست که نقش فعالی در فرآیند کسب پرستیژ ایفا می کنند" (شیز، ۱۹۸۷، ص ۲۵۳). معروفترین پژوهشگری که بطور خاص در زمینه سبک زندگی کار کرده است، دیوید چینی ۴ است. او در کتاب سبک های زندگی استدلال می کند که سبک زندگی همان سازمان اجتماعی مصرف است. از دید او، سبک های زندگی جزء جدا نشدنی زندگی اجتماعی روزمره در جهان مدرن هستند و نقشی اساسی در تعاملات بین افراد دارند. مشخصه های اصلی سبک زندگی همچون سطح ها، خودها ۶ و احساسات ۷ یا قریحه ها را می توان به تجربه ها طریق بررسی مصرف فرهنگی افراد مطالعه کرد (چینی، ۲۰۰۲، ص ۱۱).

۱- Chaney.

۲ - Pladino, D.

۳ - Micheline Scheys.

۴ - David Chaney.

۵ - Surfaces.

۶ - Selves.

۷ - Sensibilities.

۳- اهمیت سبک زندگی اسلامی

یکی از آموزه های مشترک همه، ادیان الهی اینست که در متون دینی؛ از یک سو، سبک زندگی غیر الهی مذمت و تخطئه شده است و آسیب شناسی درخوری از سبک زندگی آنان، بعمل آمده است. این نکته، هم ناظر به ساحت فردی انسان ها و هم ناظر به ساحت جمعی آدمی است. برخی از آیات قرآن، وضع موجود انسان را مورد مذمت قرار می دهد. مانند سوره عصر آیه ۲، احزاب آیات ۶۷ و ۱۰۰، حج آیات ۶۶ و ۷۲، ابراهیم آیه ۳۴، علق آیه ۶، معارج آیه ۱۹ و ۲۰، اسراء آیه ۱۱، شوری آیه ۴۸، زخرف آیه ۱۵، برخی دیگر از آیات قرآن، بخشی از ساحت جمعی انسان ها را مورد نکوهش قرار می دهد مانند سوره عنکبوت آیه ۲ و ۳، انفال آیه ۲۵، ابراهیم آیه ۴۲، اعراف آیه ۹۴ و ۹۵. از سوی دیگر، در برخی از آیات، سبک زندگی مورد تأیید اسلام نیز بیان شده است، تا انسان ها بدانند، سبک زندگی مطلوب اسلامی چیست و ویژگی ها و آثار آن چه می باشد و رسیدن به آن، ممکن است. اسلام یکی از ابزارهای سازنده سبک زندگی انسان می باشد. دستورات دینی و معنویت، شکل دهنده و تأثیرگذار بر سبک زندگی افراد است. سبک زندگی اسلامی یعنی در زندگی هر فرد، چه شخصی، چه خانوادگی و چه اجتماعی؛ قواعد و الگوها و قالب ها و ملاک های اسلامی نقش مهمی ایفا می کند؛ یعنی روش ها را بر اساس آنچه اسلام گفته و خواسته است به کار گیرد (شریعت پناه، ۱۳۹۲، ص ۵۰). سبک زندگی راه های گوناگون زندگی فرد یا گروه است و شامل الگوها، اعتقادات، سلیقه ها و ارزشها و هنجارهایی است که در زندگی روزمره به کار می رود (تنهایی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵). هر مکتب مذهبی، برای بشریت سبک زندگی عرضه کرده و مدعی است، جامعه مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از روشی است که آنان عرضه می کنند. اسلام یکی از بنیان های سازنده سبک زندگی انسان است (رجب نژاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۹).

مفهوم سبک زندگی اسلامی با مفهوم سبک زندگی، که ادلر بیان می کند، شباهت هایی دارد؛ بعضی از این شباهت ها شامل: توجه به ارزشها، کل نگر، غایت گرایی، جهت یابی فردی، خود خلاق و... است (هادوی، ۱۳۹۱، ص ۴۲). در بر اساس الگوهای غیراسلامی تصمیماتی در زندگی گرفته می شود، مبنی بر به حرکت واداشتن فکر و رسیدن به تحرک فکری تا انسان به هدف خود که دستیابی به اهداف در زندگی است دست پیدا کند، ولی در الگوی اسلامی تصمیمات را بگونه ای می گیرند که تحرک فکری او حاکمانه باشد نه خادمانه و در خدمت هواهای نفسانی. از نظر اسلام، فکر و تصمیمی حکیمانه است که بر اساس عقل حاکم تولید شده باشد (خطیبی، ۱۳۹۲، ص ۱۶).

امامان معصوم در دو قرن و نیم حضور خود در جامعه اسلامی تمامی تلاش خود را مبذول داشتند که سبک زندگی اسلامی را تبیین کرده و با توجه به اوضاع هر عصری، سبک خاصی از زندگی اسلامی را ارائه دهند. مجموعه ای که اکنون از سنت و سیره آنان در اختیار ما است، به خوبی نشان می دهد که ایشان سبک های متعددی از زندگی را برای زمان و مکان ها ارائه داده اند که مبتنی بر شیوه زیست اسلامی است. مهندسی فرهنگی که امامان برای ارائه سبک زندگی اسلامی انجام داده اند، مجموعه ای علمی و عملی است که باید بعنوان سرمشق مورد استفاده جوامع امروز اسلامی قرار گیرد. سبک زندگی اسلامی را باید از پیشوایان دینی آموخت که در زندگی خود تمامیت اسلام را تجسم و عینیت بخشیده و آن را در زندگی خود آزموده و با موفقیت ارائه دادند. در جهت تحقق این امر لازم است مفاهیم سبک زندگی اهل بیت تبیین شود تا پذیرش آنها توسط افراد جامعه امکانپذیر باشد و در این میان، سازمان های فرهنگی نقش مهمی ایفا می کنند (حسومی، ۱۳۹۲، صص ۲-۳). از دیدگاه مقام معظم رهبری، جایگاه سبک زندگی اسلامی در تشکیل تمدن نوین اسلامی بسیار مهم است. ایشان تمدن نوین اسلامی را دارای دو بخش ابزاری و اصلی می دانند "بخش ابزاری عبارتست از همین ارزش هایی که ما امروزه برای پیشرفت کشورها مطرح می کنیم: علم، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این ها همه بخش ابزاری تمدن هستند (امام خامنه ای، ۱۳۹۱). و بخش اصلی تمدن نوین اسلامی عبارتست از "آن چیزهایی است

که متن زندگی ما را تشکیل می دهد همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن و لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه و این ها همه بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است (همان). اهمیت ارائه و تبیین سبک زندگی نزد اهل بیت، چنان است که پیامبر اعظم کوشید تا یک سبک زندگی جدید را در قالب شیوه جدیدی از زیست ارائه دهد که مبتنی بر آموزه های وحیانی قرآن و عقلایی و فطرت بشر باشد. اما پس از پیامبر، به سبب ارتباط جامعه با فرهنگ ها و تمدن های دیگر، شیوه ها و سبک های دیگری از زندگی شناسایی شد (حسومی، ۱۳۹۲، صص ۷-۸). اسلام یکی از ابزارهای سازنده سبک زندگی انسان می باشد. دستورات دینی و معنویت، شکل دهنده و تأثیرگذار بر سبک زندگی افراد است.

۴- توجه عالی به زن در سبک زندگی اسلامی

از نگاه مکتب حیات بخش اسلام، زن نیمی از پیکره اجتماع انسانی و شاهکار آفرینش است. برخلاف دیدگاه های رایج درباره ضعف و نقص در این مخلوق بی نظیر، زن در برخی امور، نظیر امور عاطفی و احساسی، که از سرمایه های معنوی انسان است، بر مرد تفوق و برتری دارد. اسلام، با نگاهی همراه با عزت و احترام، تمام دیدگاه های تحقیرآمیز نسبت به زن در مکاتب و حتی برخی ادیان تحریف شده را مردود می داند. اکنون با بهره گیری از بیانات استاد شهید مطهری، دیدگاه اسلام به زن، با نگاهی نقادانه به دیدگاه های نادرست ارائه می گردد (مطهری، ۱۳۸۴، صص ۲۳۴).

۱،۴) زن هرگز دارای خلقت و طبیعتی پست تر از مرد نیست. خداوند آفرینش آنها را از یک جنس قرار داده است (سوره روم، آیه ۲۱).

۲،۴) زن عنصری شیطانی، وسوسه انگیز و عامل گناه نیست. قرآن با رد این دیدگاه غلط، عامل طرد شدن انسان از بهشت و هبوط به زمین را، به مرد و زن به اندازه ای مساوی نسبت داده است (سوره طه، آیه ۱۱۷، سوره بقره، آیه ۳۶).

۳،۴) زن از رسیدن به مقامات معنوی محروم نیست. او نیز مانند مرد، استعداد رسیدن به مقامات بلند معنوی را دارد. شخصیت های ممتاز و الگویی چون حضرت مریم و زنان صاحب نام مسلمان (خدیده کبری، فاطمه زهرا در قرآن)، نمونه ای از این مقامات معنوی هستند.

۴،۴) برخلاف برخی مکاتب و ادیان تحریف شده، اسلام ارتباط جنسی مرد با زن را امری منفی و پلید نمی داند، بلکه با محکوم کردن تجرد، عزوبت و رهبانیت (کلینی، ج ۵، ص ۵۰۹) ازدواج را امری بسیار مقدس دانسته؛ (مجلسی ج ۱۰۰ ص ۲۲۱) محبت به زن را امری ممدوح و ارزشمند می داند (سوره بقره، آیه ۱۸۷ و سوره روم، آیه ۲۱). برخلاف دیدگاه های ارتجاعی و ظالمانه، زن دارای وجودی مستقل است.

۵،۴) وجود زن مقدمه و طفیلی وجود مرد نیست، بلکه آفرینش تمام عالم هستی برای مرد و زن با هم بوده است. البته زن و مرد، هر یک برای دیگری آفریده شده و مکمل یکدیگرند (سوره بقره، آیه ۱۷۸ و سوره روم، آیه ۲۱).

۶،۴) زن نه تنها بالای اجتناب ناپذیری نیست که سراسر وجودش شر و پلیدی باشد، بلکه آفرینش او مایه سکونت و آرامش مرد است (سوره بقره، آیه ۱۸۷ و سوره روم، آیه ۲۱).

۷،۴) زن صرفاً ظرف نگهدارنده و رشد دهنده بذر یعنی نطفه مرد نیست، بلکه در تولید فرزند و تکثیر نسل بشر سهمی برابر با مرد را دار است (سوره حجرات، آیه ۱۳). همچنین آن شهید بزرگوار، درباره تأثیر وجود حریم و حائل میان زن و مرد در افزایش قدرت و محبوبیت زن، با استفاده از تمثیلی از مثنوی مولوی، می فرماید: اگر میان آب و آتش حائلی نباشد، آب بر

آتش غلبه کرده آن را خاموش خواهد ساخت؛ اما اگر حائل و مانعی در بین باشد، مثلاً آب در دیگی بر روی آتش قرار گیرد، آتش در آب تأثیر می‌گذارد و آرام آرام آن را گرم کرده به جوش و غلیان در می‌آورد و پس از مدتی تمام آب را بخار می‌کند (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۳۴). خلقت زن به دست توانای خالق متعال، بیان حکیمانه خداوند در قرآن، بیانات سیره آن بزرگواران، فتوای فقهای مسلمان، سیره روشنگر رسول خدا و اهل بیت مؤمنان، ادبیات پربار مسلمانان و ... همه نشانگر شیوه ای معتدل و به دور از افراط و تفریط در برخورد با آزادی، کنترل و نظارت بر رفتار زنان در جامعه است. اسلام، در عین رعایت نهایت مراقبت برای حفظ پاکی روابط جنسی، هیچگونه مانعی برای بروز استعدادهای انسانی زن به وجود نیاورده است، بلکه کاری کرده تا با اجرای صحیح این برنامه، روحیه افراد سالم مانده، روابط خانواده‌ها صمیمی‌تر و جدی‌تر گردد و محیط اجتماع برای فعالیت صحیح مرد و زن آماده‌تر شود (همان، ص ۲۴۱). مبارزه با اختلاط زنان و مردان، از همان ابتدا در دستور کار رسول خدا بوده است؛ ایشان توصیه فرموده اند تا آمد و شد زنان و مردان در معابر عمومی، مجالس و مساجد، بدون اختلاط بوده و هر کدام معبری مجزا داشته باشند. حتی توصیه فرمودند تا مسجد مدینه دارای دو درب ورودی و خروجی باشد تا رفت و آمد زنان و مردان جدای از هم باشد؛ ایشان پیشنهاد دادند تا برای فرار از اختلاط زنان با مردان، هنگام عبور، زنان از طرفین و مردان از وسط معابر عبور کنند (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۲۳۴). رهبر معظم انقلاب در این مورد می‌فرمایند: امروز نه فقط در ایران ما بلکه در سراسر جهان معضل بزرگی وجود دارد و آن عبارتست از اینکه نسبت به حقوق و شخصیت بانوان در بعضی از بخش‌های زندگی، کوتاهی و تعرض انجام می‌گیرد، یعنی به زنان ظلم می‌شود. بعضی خیال می‌کنند که این کوتاهی و تعرض مخصوص کشورهای شرقی یا کشورهای اسلامی است. این اشتباه است. ظلم به زنان در کشورهای غربی با همه ادعاهایی که نسبت به زنان دارند، اگر بیشتر از کشورهای اسلامی و شرقی نباشد، کمتر هم نیست (خسروپناه، ۱۳۸۹). آیات قرآن و روایات ائمه معصومین برای خانواده و برای زن (مادر) جایگاهی والا قرار داده و مرد و زن را دارای روحی یکسان دانسته است. برخورداری زن از روح که حقیقتی مشترک میان او و مرد است و ابعاد مشترک جسمی سبب تولید حقوق و تکالیف مشترک است؛ وجود جسم و قالب مختص زنانه و مردانه و برخی ویژگی‌های روانی سبب پیدایش حقوق و تکالیف خاص است. هر دو مسئول در برابر اجتماع و خانواده خود هستند و زیباترین جلوه حیات خود را با گذشت و تعاون و ایثار برای مصلحت فرزندان و همسر خود، (اگر در مسیر حق باشند) و برای اصلاح جامعه به کار می‌گیرند. اسلام خانواده را محبوب‌ترین نهاد شمرده است (صدوق، ۱۳۷۰) و دو رکعت نماز مزدوج را بهتر از نماز مرد مجردی می‌داند که شب را به عبادت سپری کند و روز را روزه بدارد. حفظ و حراست دین را با ازدواج مقدور دانسته (الحر العاملی، ۱۴۱۲ ه.ق). و سبب به فعلیت رساندن همه استعدادها و قابلیت‌ها و بهره‌مندی از عالی‌ترین تکریم‌هاست (افروز، ۱۳۸۱). این دیدگاه چگونه با دیدگاه غرب و فمینیسم قابل مقایسه است که زن را از هر جهت مساوی و معادل مرد می‌دانند و درصدد براندازی نقش و جایگاه خانواده و مادری از فرهنگ بشریت هستند. مقام معظم رهبری در نفی این دیدگاه می‌فرمایند:

مرد و زن هر کدام طبیعت و اخلاق و روحیات و غرایزی دارند که مخصوص خودشان است. اگر از این خلیقات مرد و زن درست استفاده بشود، مرد و زن در خانواده یک زوج کامل و هماهنگ و مساعد را تشکیل می‌دهند. اگر مرد زیاده روی کرد، تعادل به هم می‌خورد، اگر زن هم زیاده روی کند، تعادل به هم می‌خورد. اسلام در دامن خانواده دو جنس را مانند دو لنگه یک در، مانند دو چشم در چهره انسان، مانند دو سنگ‌نشین در جبهه نبرد زندگی، مانند دو کاسب شریک در یک باب مغازه قرار داده است. هر کدام از این دو، خصوصیات و خصلت‌هایی در جسم، روح، فکر، غرایز و عواطف دارند، که ویژه خودشان است (خسرو پناه، ۱۳۸۹). نگاه دین مبین اسلام به زن از همان آغاز توأم با تکریم و احیای ارزش‌های فرو خفته ایشان بوده است. اسلام دعوت خود را نه با زن محوری و مرد محوری و زرمداری و زورمداری و نه حتی با بسیاری از آنچه که در نزد

بسیاری کرامت بسیار دارد، مثل نخبه پروری و ... آغاز نمود. اسلام نقطه آغاز کار خود را بر مبنای تسلیم به ذات حق و پاسداشت کرامت انسانی که هسته آن چیزی جز عبودیت و بندگی پروردگار نیست قرار داد. آیه ۳۵ از سوره مبارکه احزاب با توصیف اوصاف زنان و مردان پرهیزکار دقیقاً بیانگر این مفهوم و نفی جنسیت در مسئله عبودیت در پیشگاه الهی می باشد که مفسران قرآن پیرامون این آیه و دیگر آیات از این دست تفاسیر ارزشمندی ارائه نموده اند که مطالعه آنها توصیه می شود. شرط تکامل و تعالی در این مکتب رهایی بخش همانا عزت و آزادگی است که از راه بندگی محض خداوند به دست می آید. از این رو در مقام نفس بین انسانها اعم از زن و مرد هیچ تفاوتی وجود ندارد. چنانکه در باب صحیفه حضرت فاطمه (س) که در وصیت نامه حضرت امام خمینی (ره) هم به آن اشاره شده است، گفته اند مطالب آن توسط فرشته ای بر حضرت زهرا (س) نازل شده است (شفیعی مازندرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۶). دین مبین اسلام و قرآن کریم از همان ابتدا و بعنوان هدفی اساسی احیای جایگاه زن و احیای مبانی حقوق پایمال شده این جماعت مهم را مدنظر قرار داده است. به همین دلیل با طلوع نخستین اشعه های خورشید نورانی اسلام شاهد به منصفه ظهور رسیدن بسیاری از قابلیت های ایشان در عرصه جهاد عظیم گسترش فرهنگ تسلیم به ذات حق توسط زنان بسیاری هستیم. کمترین تعداد برای صحابی رسول خدا از زنان ۱۰۲۲ نفر می باشد که در کتب معتبر رجالی به آن اشاره شده است، لازم به یادآوری است منظور از صحابی تمامی معاصرین رسول خدا نیستند بلکه ناقلان حدیث و نام آوران عرصه های گوناگون را صحابی فرض نموده اند (نوری همدانی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵). اسلام کوشید تدریجاً و با بهره گیری از توانمندی های زنان این مشکلات و ناهنجاری های ناشی از آن را که شامل این طبقه شده بود را از میان ببرد. حضرت خدیجه (س) نمونه بارز این جریان است. او نخستین زن مسلمان بود؛ زنی خودساخته ای که تمام زندگی خود را به همراه جاننش در راه اسلام قربانی کرد. حضرت خدیجه (س) حتی در زمان جاهلیت با عناوینی چون طاهره و سیده قریش شناخته می شد (پیشوایی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۸). ازدواج با خدیجه بدون شک یکی از مراتب کمال رسول گرامی (ص) است و این خود نشان دهنده جنبه های خاص شخصیتی این بانوی بزرگ است. چرا که عامل تشکیل خانواده یک عامل اخلاقی است - و این، یکی از علل تقدس ازدواج در اسلام است - عامی که جانشین نمی پذیرد (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۲۶۷). پس از خدیجه (س) زنان بسیاری بودند که کثرت و تعدد اسامی ایشان آن هم در نخستین روزهای شکل گیری این آئین عظیم نشانی از تحول بزرگی در زندگی بانوان دارد؛ از جمله سمیه همسر یاسر و مادر عمار. ابوجهل، سمیه را با نیزه های که به پائین شکمش فرو برد، شهید کرد و سمیه اول کسی است که در اسلام به شهادت رسید (یعقوبی، ترجمه آیتی، ۱۳۷۴، ص ۳۸۴). در کتاب ارزشمند الاصابه فی تمییز الصحابه تعداد ۱۵۵۲ نفر از صحابی رسول خدا بانوان بودند. همین آمار در اثر ارزشمند دیگر یعنی الاستیعاب فی معرفه الصحابه نیز ذکر شده است، همچنین در معارف شیعه و در کتاب المعجم الرجال آیت الله خویی تعداد ۱۳۴ نفر زن راوی حدیث از معصومین (ع) قابل مشاهده هستند و نیز حکیمه خاتون عمه بزرگوار امام زمان (عج) علاوه بر نواب خاص آن حضرت حامل پیام ها و احادیث ایشان بوده اند (نوری همدانی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵). قرآن کریم در آیات فراوانی تصریح کرده است که پاداش آخری و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست بلکه به ایمان و عمل است؛ خواه از طرف مرد باشد خواه زن. قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می کند، از همسران آدم و ابراهیم و از مادران موسی و عیسی در نهایت تجلیل کرده است، اگر همسران نوح و لوط را بعنوان زنانی ناشایسته برای شوهران شان ذکر می کند، از زن فرعون نیز بعنوان زن بزرگی که گرفتار مرد پلیدی بوده است هم غافل نشده است، گویی قرآن نمی خواسته است قهرمانان داستان ها منحصر به مردان باشد و لذا همواره توازن را حفظ کرده است.

۵- شیوه های قرآنی برای تکریم زنان در سبک زندگی اسلامی

هر چند همه ادیان الهی مقام ارزشمندی برای مادر قائل بوده و به او احترام می‌گذارند، اما اسلام بیش از دیگر مکاتب به این مسئله توجه نموده و به مادر عظمت بخشیده است. حقوقی را که اسلام برای مادران مشخص کرده، بسیار فراتر از حقوقی است که برای دیگران حتی پدر قایل شده است، چرا که مادر، مربی و پرورش دهنده انسان و جامعه است و اوست که می‌تواند فرد و جامعه را به سعادت رسانده، یا به شقاوت و بدبختی بکشاند. از جنبه های تلاش حضرت محمد(ص) و دین مبین اسلام برای تکریم و پاس داشت حقوق زنان، تأکید بر شخصیت اجتماعی مستقل زن است که در آیات متعدد قرآن کریم به این مسئله توجه شده است. چنانکه آیات ۷۱ تا ۷۲ سوره مبارکه توبه که با عبارت "وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ" آغاز شده و در آنها وظایفی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، بپا داشتن نماز و دادن زکات را برای ایشان بر شمرده و در نهایت بهشت را وعده چنین کسانی قرار داده، نمونه ای از این دسته آیات است در پذیرش بسیاری از مسئولیت های اجتماعی و صحنه های خطیر تاریخ اسلام شاهد حضور زنان مسلمان بوده ایم. از جمله در ماجرای مهاجرت به حبشه بانوانی مثل رقیه دختر پیامبر(ص)، سهله دختر سهیل و ... حضور داشته اند(ابن اثیر، ترجمه روحانی، ۱۳۷۰، ص ۸۶۹). قرآن کریم حس احقاق حق و جرأت دادخواهی را در وجود زن تقویت نموده است چنانکه در آیات ۸ و ۹ سوره مبارکه تکویر در باب زنده به گور کردن دختران آورده است "وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ" و آن هنگام که دختران زنده به گور شده از خاک برآیند خواهند پرسید به کدامین گناه ما را کشتید. علامه طباطبائی در ذیل این آیه شریفه می نویسد: این هم نوعی تعریض و توبیخی است از قاتل آن دختر و هم زمینه چینی است برای اینکه دختر جرأت کند و از خدای تعالی بخواهد که انتقام خون او را بگیرد و آنگاه خدای تعالی از قاتل او سبب قتل او را ببرد و سپس انتقامش را بگیرد(طباطبائی، ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۸۷، ص ۳۵۱).

۱،۵ سفارش و احترام به مادر در قرآن

در سوره های مریم آیات ۳۱ و ۳۲، احقاف آیه ۱۵، لقمان آیه ۱۴ در سفارش به نیکی به والدین تأکید شده است؛ و نیز در چهار سوره از قرآن مجید نیز نیکی به والدین، بلافاصله بعد از مسئله پرستش خدا قرار گرفته است. هم ردیف بودن این دو مسئله بیانگر احترام ویژه اسلام به پدر و مادر است. همچنین کلمه مادر، بصورت جمع و مفرد مانند: «ام» و «والدتی»، «ام موسی»، «والدات» و «امهات» و امثال آن در قرآن آمده است:

- أم: «قَالَ ابْنُ أُمَّ إِنْ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي؛ گفت فرزند مادرم این گروه مرا در فشار گذاردند.» ۱
- وَالِدَتِي: «وَبِرًّا بِوَالِدَتِي؛ مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده است.» ۲
- أم موسی: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ؛ ما به مادر موسی الهام کردیم.» ۳
- وَالِدَاتُ: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ؛ مادران فرزندان خود را دو سال کامل شیر می‌دهند.» ۴
- أُمَّهَاتُ: «وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ؛ مادران زنان شما» ۵

۱- سوره اعراف، آیه ۱۵۰.

۲- سوره مریم، آیه ۳۲.

۳- سوره قصص، آیه ۷.

۴- سوره بقره، آیه ۲۳۳.

۵- سوره نساء، آیه ۲۳.

اگر به این موارد دقت کنیم، می بینیم که خداوند در هر یک از آن آیات، با عظمت از مادر یاد کرده و به نوعی از مقام او تمجید نموده است. چرا که وحی و الهام مستقیم خدا به مادر موسی، اظهار ارادت و نیکویی عیسی به مادر، بیان زحمات و رنج های مادر در قرآن کریم و همچنین دستور حق تعالی به احسان و نیکی نسبت به پدر و مادر، همه گواه بر رفعت جایگاه مادر است. خدای متعال در آیه ۱۴ از سوره لقمان و همچنین در سوره احقاف پس از توصیه نسبت به احسان والدین، در بیان تحمل رنج و زحمت های مادر را می فرماید: "مادرش او (فرزند) را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین می گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش ۳۰ ماه است تا زمانی که به کمال و رشد برسد و در چهل سالگی بالغ گردد".

بیان رنج و تلاش مادر با این که پدر نیز در اغلب سختی های تربیت فرزند شریک است، خود دلیل بر اهمیت و ارزش کار مادر است. چرا که کسی نزد حق تعالی مقام بالاتر دارد که کار ارزشمندتری انجام دهد. پروردگار متعال در آیات قرآن، ابتدا به نیکی کردن نسبت به پدر و مادر هر دو دستور می دهد، سپس بدون ذکر زحمات پدر، مشکلات و ناراحتی های مادر را بیان می کند. گویی، مادر عامل اصلی در لزوم نیکی به والدین بوده و کار او آنقدر ارزشمند است که احسان به پدر را نیز بر فرزند واجب می سازد. صبر و پایداری مادر در برابر سختی های دوران بارداری و پذیرش ناگواری های طاقت فرسای دوره شیردهی و تربیت فرزند، موجب شده تا به احسان والدین بصورت مطلق حکم شود. تا آنجا که مسئله نیکی به پدر و مادر در قرآن کریم هم طراز با عبادت خدای متعال به حساب آمده است.

۶- جایگاه و نقش زن (مادر) در سبک زندگی اسلامی

۱،۶) تحکیم خانواده

خانواده دارای یک نیروی همبستگی اجتماعی بوده، ساختاری زاینده داشته و سازنده فرد در جهت زندگی اجتماعی است. خانواده بهترین مأمّن و شایسته ترین کانون برای تبلور سکون و اطمینان فرد است که بشر در عرصه حیات بدان دست یافته است. این نهاد بنیادین که سلامت یا بیماری آن تأثیرات عمیق و همه جانبه ای بر سلامت روانی و اجتماعی جامعه می گذارد، مهمترین کانون تربیت نسل ها و اصلی ترین عامل انتقال ارزشهای فرهنگی و اخلاقی در طول تاریخ بوده است. خانواده به منزله نهادی اجتماعی در بستر جامعه تولید می شود و از دیدگاه جامعه شناسان نقشی اساسی در تربیت نیروی فعال جامعه، بارور کردن توانایی ها و سلامت روان افراد بر عهده دارد. بدون شک هیچ جامعه ای نمی تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده ای سالم برخوردار نباشد و باز هیچیک از آسیب های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵). خانواده نخستین گام در جامعه پذیری افراد، نقطه آغازین تربیت اجتماعی و مهمترین عامل نفوذ ارزش ها و هنجارهای جامعه در شخصیت افراد است. محیط سالم خانواده و رشد عاطفی آن یعنی روابط سالم میان اولیاء و فرزندان، بازده بهتر و بهره وری بیشتر خانواده را در پی دارد و از آنجا که خانواده بهترین منبع الهام، شکل گیری شخصیت، رفتار و هنجارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، با حرکت مطلوب و سازمان یافته خود می تواند الگوی مناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در اعضای خود ایجاد نماید (شیخی، ۱۳۸۰). خانواده براساس آیات قرآن کریم مسئولیت اصلی تربیت فرزند را بر عهده دارد و بر انسان تکلیف شده است که خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان و سنگ است، حفظ کند. "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا" ۱.

قرآن مجید با استدلال به اینکه زن و مرد هر دو پایه گذار در نظام خلقت و هر دو مسوول اعمال خودشان هستند به خلقت انسان اشاره می کند و زن و مرد را در پیشگاه خداوند و وصول به مقامات معنوی، یکسان می شمارد و هرگز اختلاف جنسیت و تفاوت جسمانی و به تعقیب آن بخشی از تفاوت ها و مسئولیت های اجتماعی را دلیل بر تفاوت آن دو در رسیدن به تکامل انسانی نمی داند؛ بلکه زن و مرد از نظر قرآن کاملاً در یک سطح قرار دارند. خداوند متعال در آیه ۹۷ سوره نحل می فرماید: "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" "هرکس از زن و مرد که مؤمن باشد و عمل صالح انجام دهد به او زندگی طیب و پاکیزه ای می بخشیم و پاداش آنان را به بهترین نحو خواهیم داد". بسیاری از ملت های گذشته، اعمال زن را مقبول درگاه الهی نمی دانستند و نظریات تحقیرآمیزی نسبت به وی روا می داشتند؛ در یونان زن را پلید و او را از عمل شیطان محسوب می کردند، رومیان معتقد بودند که زن دارای روح انسانی نیست و تنها مرد دارای روح انسانی است، و درباره استعدادهای معنوی او می گفتند: زن به بهشت نمی رود، زن نمی تواند مقامات الهی و معنوی را طی کند و نمی تواند به مقام قُرب الهی اُنطور که مردان می رسند برسند.

از دیگر نظریات تحقیرآمیزی که درباره زن وجود داشته اینست که می گفته اند زن مقدمه وجود مرد است و برای مرد آفریده شده است. اسلام هرگز چنین سخنی ندارد، اسلام علت غایی را در کمال صراحت بیان می کند و به روشنی می گوید زمین و آسمان، ابر و باد، گیاه و حیوان همه برای انسان آفریده شده اند؛ اما هرگز نمی گوید زن برای مرد آفریده شده است. بلکه می فرماید "هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ" "زنان زینت و پوشش شما هستند و شما زینت و پوشش آنها. ۱. و در آیه ۱۳ سوره حجرات می فرماید "إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ" منظور اینست که این نظام خلقت به پشتوانه زن و مرد در کنار هم بوجود آمده است. اینکه خداوند در این آیه نام زن و مرد را بیان کرده است برای اینست که به ما بفهماند به همان اندازه که مرد در جامعه و نظام آفرینش موثر است زن نیز موثر است. آدم و حوا هر دو در نظام آفرینش نقش داشتند. آیه ۱۹۵ سوره آل عمران اشاره به ارزش دادن زن در کنار مرد و کشیدن خط بطلان بر تفکر جاهلی آن روز و جاهلیت امروز است.

براساس چنین ایده ای است که زن در خانواده اسلامی دارای جایگاه بلندی است. بر خلاف بسیاری از اقوام و مللی چون یهودیان و مسیحیان که زن را موجودی بد، شر و عنصر گناه معرفی می کنند، اسلام زنان را در مقام و منزلتی والا و ارزشمند قرار داده است. مقام زن در اسلام به حدی است که سومین سوره مفصل قرآن "نساء" به نام آنان نامیده شده است و در ده سوره دیگر به مسائل مربوط به حقوق و منزلت زن اشاره شده است و همچنین می بینیم در همه خطاب های عام قرآن، زنان در کنار مردان مورد اشارت هستند. با دید دقیق می توان درک کرد که دین مقدس اسلام زن را بعنوان رکن مهم زندگی و متمم حیات انسانی و عضو مهم و موثر جامعه بشری قلمداد کرده است، و او را در رأس امری عظیم قرار داده است که همان تولید و تربیت نسل بشر است. یعنی در دامن زن است که انبیاء الهی و اولیا و بزرگان برای خدمت به بشریت، تربیت می شوند. خداوند متعال زن ها را در هر جایگاه که در نظر بگیریم مقام و منزلت والایی بخشیده است، چه به صفت زن، مادر، همسر و یا خواهر.

دین مقدس اسلام تعادل را بین زن و مرد ایجاد کرده و در هیچ جایی مردان را نسبت به زنان ترجیح نداده است، در آیات زیر نیز این موضوع واضح گفته شده است. خداوند می فرماید: "ای مردم ما، شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به قبیله ها قرار دادیم تا یک دیگران را خوب بشناسید این ملاک امتیاز نیست، گرمای ترین شما به نزد خداوند با تقواترین شما است"^۱ و نیز خداوند در سوره النساء آیه ۱۲۴ می فرماید "هرکه عمل نیک انجام دهد برابر است، چه مرد باشد یا زن پس آنان به بهشت

۱- سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۷.

۲- یوره مبارکه حجرات، آیه ۱۳.

خدا داخل می شوند". در دین اسلام زنان همانند مردان دارای حق میراث، حق حاکمیت، حق آزادی، حق تعلیم و تحصیل، حق ازدواج، حق انتخاب همسر، حق مصوونیت، آرامش و ... را دارند و به هیچکس نیز این اجازه داده نشده تا زنان را از یکی از حقوق و امتیازهایشان که شریعت برایشان داده محروم کند. زن همانند مرد انسانی مسؤول است، زنان در ادای بندگی خداوند و انجام واجبات دینی، پرهیز از محرّمات و پایبندی حدود و مرزهای شریعت، امر بالمعروف و نهی از منکر دارای تکلیف و مسئولیت اند. رویکرد امام راحل(ره) نیز در خصوص نقش مادر به مثابه یک نجات دهنده امت، این چنین است که می فرمایند: "مادرها مبدأ خیرات هستند و اگر خدای نخواستہ مادرانی باشند که بچه ها را بد تربیت کنند مبدء شرند. برای خانم ها یک مطلب بالاتر است و آن مطلب تربیت اولاد است. یک انسان درست، ممکن است یک عالم را تربیت کند، و یک انسان غیر سالم و فاسد، عالم را به فساد می کشد. فساد و صلاح از دامن های شما و از تربیت های شما و از مدارسی که شما در آن اشتغال دارید شروع می شود" حال با این نقش عظیم و اساسی تربیتی، مادران و معلمان در امر خطیر تربیت انسان سالم باید بگونه ای باشند که فرزندان این مرز و بوم را به صلاح واقعی رهنمون سازند؛ چرا که صلاح و فساد جامعه وابسته به ایفای صحیح و کار ساز این نقش می باشد. امام فرزانه ما (ره)، در مقایسه جایگاه و منزلت مادر با دیگر عوامل تربیتی می فرمایند: " شما خانم ها شرف مادری دارید که در این شرف از مردها جلو هستید و مسئولیت تربیت فرزند را در دامن خودتان دارید، اول مدرسه ای که بچه دارد دامن مادر است. مادر خوب، بچه های خوب تربیت می کند. بدین ترتیب در مسئله تحکیم خانواده و نقش آن در سعادت و یا شقاوت فرزند و در نتیجه جامعه، مادر نقش اول را داراست. مادر از دو جهت حائز اهمیت ویژه ای در تربیت فرزند است. اول اینکه کودک مهمترین سال های تکوین شخصیت خود را در محیط اُنس و الفت با او می گذراند و این سال ها فرصت کم نظیری برای اکتساب عادات و صفات و سایر ویژگی های رفتاری از مادر است. ثانیاً مادران به لحاظ عواطف خالصانه خود پناهگاه مطمئنی برای کودکان هستند و کودک هر زمانی که احساس ناامنی می کند ابتدا به مادر پناه می برد و امنیت مورد نظر خود را در آغوش وی جستجو می کند. از این رو در تکریم جایگاه مادری رسول اکرم (ص) فرمودند: "مادر خود را رعایت کن، سپس پدر خود را و پس از آن کسانی را که به تو نزدیکترند". و یا به تعبیر ارزنده حضرت زهرا(س) که فرمودند: "در خدمت مادر باش که بهشت زیر پای مادران است" (توسلی، ۱۳۹۳).

۲.۶ نقش روانی عاطفی

از بهترین ثمرات تشکیل خانواده آرامش و امنیت خاطری است که خداوند آن را با ازدواج مرد و زن پس از آفرینش آنان، مقدر ساخته است و بدین وسیله امکان رهایی از تنهایی، بیپه‌دگی و رنجوری را فراهم کرده است. اگر یأس، نومی‌دی و اضطراب و بی پناهی عاطفی را از معضلات جوامع امروزی بشمار آوریم، بی شک باید با تشکیل خانواده سالم در استحکام آن بیندیشیم. زن با ظرفیت های عاطفی و با استعداد خویش پناهگاهی مناسب به نام خانه و خانواده را برای خود تدارک می بینند و ضمن تبادل احساسات به انسجام و قوت بخشیدن روز به روز خانواده می اندیشند. از شگفتی های آفرینش همین عواطف رقیق و قلب مهربانی است که در یک زن سالم به ودیعت نهاده شده و روحیه مهرورزی و صلح جویی اوست که می تواند روحیه خشن و ناهموار مرد را تعدیل کند. خداوند این کانون متعالی و دارای قطب های مختلف را مکمل هم قرار داده تا چرخ هستی بر مدار سازگاری و توازن و تعادل حرکت کند(گاردنر، ۱۳۸۶).

در حدیثی از پیامبر (ص) نقل شده است که حق مرد بر زن اینست که زن ملازم خانه باشد و با شوهرش دوستی و محبت کند و از به خشم آوردن او اجتناب کند و آنچه برای رضایت اوست انجام دهد(نوری طبرسی، ۱۴۰۸ه.ق). این روایت ترسیم کننده

فضای عاطفی و مملو از محبتی است که زن را در خانواده کانون مهر قرار داده و از کارکردها و نقش های اصلی وی بشمار می آید. اگرچه زرق و برق دنیای کنونی و اشتغالات اجتماعی و اقتصادی زن، تعلقات و وابستگی های اجتماعی و حاکمیت نفس و خود-محوری تا حدودی در بعضی از خانواده ها از کارکرد عاطفی وی کاسته است، اما هیچ مأمّن و جایگاهی وثیق تر و اساسی تر از این کانون نمی توان یافت. نظر به جایگاه این نقش در تربیت فرزندان و اثرات آن در سایر ابعاد و کارکردهای خانواده، انتخاب همسری شایسته و مطابق با روایات اسلامی از ابعاد وراثت، تربیت، شرایط روحی و روانی و ثبات عاطفی امری ضروری و اساسی است.

۳،۶ نقش تربیتی

زن در هدایت نوجوانان به سوی رأفت یا شقاوت نقش اولیه و اساسی بر عهده دارد. در دوران کودکی بنیان های شخصیت فرد شکل می گیرد و نحوه زیستن افراد معمولاً بازتاب و برگردان نحوه تربیت فرد در دوران کودکی است. از برخی مطالعات روان شناختی چنین بر می آید که میل به ارتکاب رفتارهای انحرافی در بزرگسالی از رسوبات بجای مانده در ناخودآگاه فرد از مراحل اولیه زندگی ناشی می شود. عقده های روانی معمولاً ریشه در ناکامی ها و لطمه های شدید روانی در دوران کودکی و ضمیر ناخودآگاه انسان دارد و زمانی عمیق می شود که فرد در دوران کودکی در برابر خواسته ها و نیازهای طبیعی و غیرطبیعی به شدت سرکوب گردد (عربی، ۱۳۸۸). مادر نه تنها پناهگاه، بلکه نخستین و مؤثرترین آموزگار، راهنما و الگوی کودکان محسوب می شود. کودک بدلیل وابستگی عاطفی به مادر و محدود بودن دنیای او به والدین، همه آموخته ها، دانسته ها، باورها و اشتباهات خود را از راه تقلید می آموزد و رفتار بزرگترها ابتدا بشکل ناآگاهانه و بتدریج بصورت آگاهانه و مشعرانه در روان و وجود فرد نهادینه می شود و دست شستن از آن بسیار سخت و طاقت فرساست. وجود و حضور والدین و مخصوصاً مادر، نحوه پاسخگویی آنان به کودکان در مورد مسائل اخلاقی و تربیتی، نحوه تعامل آنان با رویدادهای زندگی، قرار گرفتن در جو مثبت یا منفی هر رویداد بویژه رخ دادهای تربیتی و فرهنگی و ایجاد انگیزه در کودک یا سهل انگاری در آموزش ادب و آداب دینی، همه متأثر از نوع برخورد و چگونگی ارائه واکنش به آنهاست.

۴-۶ نقش اجتماعی

وقتی که اسلام بعنوان یک مکتب و پیامبر (ص)، چون معلمی ظهور کرد، در کنار اهداف والای خود یعنی توحید و نبوت و معاد، مسایل اجتماعی را با بهترین اصول، تقدیم جامعه انسانی کرد، خصوصاً به مسایل زنان توجه ویژه نمود. در زمان جاهلیت این کار خیلی مشکل و دور از انتظار بود زیرا مردان به راحتی دختران خود را زنده به گور می کردند و با جنس زن چون اشیاء معامله می کردند؛ ولی اسلام عزیز همه این کارها را منفی دانسته و با تعلیمات قرآنی بهترین تعلیمات را پیشنهاد کرد. سوره هایی به نام مریم و نساء دلیل این گفته ها است. متأسفانه این تعلیمات بزرگ انسان ساز، بعلت های گوناگونی چون اختلافات مذهبی و نفوذ خارجی ها کمرنگ تر شده است. بوجود آمدن انقلاب فکری در فرانسه نیز در جهت حل مشکلات اجتماعی و مستحکم کردن مناسبت های عاقلانه جمعیتی بود اما آن هم کاری در بخش زنان انجام نداده است. لیکن نقش زن مسلمان در جامعه اسلامی از ابتدا تا به امروز همیشه پیش قدمانه، اینگونه مسائل را حل و فصل کرده است، مخصوصاً در مسائل اجتماعی؛ زن مسلمان با رعایت حجاب اسلامی و عقیده توحیدی می تواند در هر دوره و هر زمان حل کننده مشکلات اجتماعی جامعه باشد. مسئولیت یک زن مسلمان بیش از همه در خانواده به چشم می خورد چون خانواده نقش مهمی در جامعه دارد. در زمان معاصر دشمنان اسلام این را دانسته و این قانون با ارزش را با راه و اصول گوناگون، بخصوص ازدواج های همجنسی و پست

کردن نقش خانواده در پیشرفت های علمی و اجتماعی مورد حمله قرار داده اند (بستان، ۱۳۸۳). ناهنجاری در آموزش رفتار اجتماعی صحیح منجر به پرورش افراد بزهکار، بیش فعال و تکانشی می شود و بیشتر این افراد از اختلال سلوک، عدم سازگاری و افسردگی رنج می برند. در بررسی پرونده های مصرف کنندگان مواد مخدر، متجاوزان به عنف و دارای رفتار خشونت آمیز اجتماعی و قاتلان، نوعی به هم ریختگی خانوادگی، اضطراب و اختلال رفتاری و روانی ناشی از تربیت اجتماعی در دوران کودکی به چشم می خورد.

۵,۶ نقش سیاسی

پیش از انقلاب اسلامی، نقش کم رنگ زنان در جامعه و اصطلاحاً مردسالاری باعث می شد زنان نقشی در کشور نداشته باشند. امام خمینی (ره) با شناخت تأثیری که زنان به صورت بنیادین در جامعه می گذارند و نقشی که بعنوان هدایتگر و پشتیبان در خانوادهها می توانند داشته باشند، می دانستند که بدون حضور نیمی از جامعه، انقلاب به ثمر نخواهد نشست. لذا از همان ابتدای جنبشهای انقلابی، زنان را به حضور در این فضا تشویق نمودند و در نهایت موفق به رهبری این انقلاب تا پیروزی نهایی شدند. این سخن مهم بنیانگذار انقلاب اسلامی که "مرد از دامان زن به معراج می رسد" را می توان به این نوع نگاه اسلام نسبت داد که در آن سمبل والای زن، حضرت فاطمه (س) بعنوان کانون و محور آفرینش و استمرار حرکت انبیاء تا ظهور منجی عالم بشریت معرفی شده است. از این رو، زن مسلمان ایرانی به این خودباوری رسید که با مشارکت خود می تواند جریان تاریخ را بسمت عدالت جهانی سوق دهد.

نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی حائز چنان اهمیتی است که بعنوان یکی از ویژگی های انقلاب شمرده شده است. حضرت امام (ره) بعنوان رهبر نهضت با درایت خویش متوجه این موضوع شده و نه تنها زنان را به مشارکت در انقلاب دعوت نمودند، بلکه شرکت آنان را در به ثمر رساندن انقلاب واجب و لازم شمردند. در واقع اگر صبر این زنان و همکاری و یاری آنان با مردان نبود شاید این مقاومت ها ادامه پیدا نمی کرد و ریشه های سازنده و شکل دهنده انقلاب پا نمی گرفت. مهمترین نکته در پیروزی انقلاب اسلامی، تحول شگرفی است که در نحوه نگرش به جایگاه زنان در جامعه اتفاق افتاد که بی شک در پرتو تعالیم عالی و نورانی اسلام ناب محمدی (ص) حاصل شد. زنانی بودند که از عزیزترین اندوخته های خود گذشته و آن ها را تقدیم ایران پایدار نمودند، زنانی که می خواستند با دادن مادیات ناچیز خود سهمی در پیروزی انقلاب داشته باشند. اینان مصداق آیه مبارکه قرآن هستند که می فرماید: "لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ، هرگز به نیکی نمی رسید، مگر اینکه از چیزهایی که دوست دارید انفاق کنید" بخاطر همین فعالیت هاست که پیر فرزانه انقلاب (ره) می فرمایند: "شما زنان دلیر در این پیروزی پیش قدم بودید و هستید؛ شما مردان را تشجیع کردید؛ ما همگی مرهون شجاعت های شما زنان شیردل هستیم". یا در جای دیگر که می فرمایند: "زندان های شاه از زنان شیردل و شجاع مملو است. در تظاهرات خیابانی زنان ما بچه های خردسال خود را به سینه فشرده، بدون ترس از تانک و توپ و مسلسل، به میدان مبارزه آمده اند. جلسات سیاسی ای که زنان در شهرهای مختلف ایران برپا می کنند، کم نیست. آنان نقش بسیار ارزنده ای را در مبارزات ما ایفا کرده اند".

۶,۶ نقش دین باوری

انسانی که در نخستین روزهای زندگی بیش از همه با مادر خود ارتباط دارد و به واسطه آشنایی مادر با وضعیت زیستی و روانی اش، پاسخ نیازهای جسمی و روحی خود را نزد مادر جست و جو می کند. برجسته ترین نقش مادر نقش تربیتی است، این مهم را از کلام حضرت امام خمینی (ره) نیز می توان دریافت: شما می توانید بچه هایی تربیت کنید که حفاظت از انبیا بکنند،

حفاظت از آمال انبیا بکنند. شما هم خود باید حافظ باشید و هم نگهبان درست کنید (امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۹). همچنین حضرت امام با تأکید بر جایگاه بالای فردی و اجتماعی مادر، نقش تربیتی او را از خدمت معلمان نیز ارزشمندتر می دانند: "خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاترست و از خدمت همه کس بالاترست و این امریست که انبیاء می خواستند (همان، ص ۱۳۳). زن در محیط خانواده و کنار فرزندان و نوزادان، کاملترین وسیله آموزش زبان و فرهنگی است که به آن تعلق دارد. فرهنگ هر جامعه، معرف و ضامن استقلال و هویت آن جامعه است. بخش عمده ای از فرهنگ جامعه بطور طبیعی بوسیله مادر به فرزند منتقل می شود و این کار یکی از نقش های مهم اجتماعی است که نیاز به مؤسسات و برنامه های پیچیده دارد ولی زن در خانواده همراه با روابط عاطفی و پرورش خود با فرزند به آسانی آن را انجام می دهد و در صورتیکه زن تربیت یافته فرهنگ عالی اسلام باشد به راحتی پیرایشی میان آداب و عرف جاهلی و غلط و صحیح و درست آن بعمل می آورد و مانع نفوذ هر چیز غلطی در اندیشه و مغز کودک خود می شود (خامنه ای، ۱۳۷۵، ص ۵۹). مادر، نخستین فردیست که در عرصه رشد و بالندگی و تعلیم و تربیت کودک قدم می گذارد و بواسطه اینکه مهمترین سال های تکوین شخصیت کودک در محیط انس و محبت با مادر سپری می شود حضور پرمهر و عطوفت او، سبب تأثیر پذیری عمیق کودک از رفتار و گفتار مادر می گردد. مهمترین نقش مادر پس از تولد نوزاد، فراهم ساختن فضای معنوی برای تربیت دینی است. مادر می تواند با ایجاد فضایی مناسب در محیط خانواده این زمینه را فراهم سازد. مادر، بعنوان کسیکه بیش از دیگران در محیط خانه و با نوزاد به سر می برد، باید محیط خانه را به فضای معنوی تبدیل کند. اثر محیط زندگی بر اخلاق و رفتار انسان، بویژه کودک و نوجوان بسیار مهم و سرنوشت ساز است. اگر محیط خانواده، محیطی معنوی و مأنوس با دعا، نماز، تلاوت قرآن و مناجات باشد، فرزندان پرورش یافته در آن محیط با معنویت و دعا آشنا می شوند و بتدریج، آن خلق و خو را فرا می گیرند (علاسوند، ۱۳۸۶، ص ۶۶). بدین ترتیب دامان مادر، نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی است. در این مدرسه، کودک علم و اخلاق و دین می آموزد و این امر مخصوصاً باید در سال های اول زندگی پایه گذاری شود، به هنگامیکه طفل هنوز خردسال است کلمه توحید را بر زبانش جاری سازد و گوش او را با کلمات مذهبی آشنا سازد. در چنین صورتی است که این خاطره ها فراموش نمی شود و برای همیشه جاویدان می ماند (قائم، ۱۳۶۸، ص ۱۴۹-۱۵۴). از همین روست که مادران، عشق و ارادت به حق تعالی و اهل بیت را در ظرف ترنم مهرآفرین مادرانه ریخته و آن را در گوش کودک خود زمزمه می کنند. آنچه از مفاهیم، در این الفاظ نهفته است تا ابد در قلب کودک نقش می بندد و این آغازین درس تربیتی است که مادر در پیش روی کودکش می گشاید و با خردورزی از بهترین روش آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی استفاده می کند چرا که مؤثرترین و نتیجه بخش ترین نوع آموزش بهره مندی از روش غیرمستقیم می باشد.

در فرهنگ اسلامی موقعیت طبقاتی-اقتصادی و موقعیت خانوادگی افراد موجب تعالی و پیشرفت نبوده است. به این ترتیب ترقی اجتماعی فقط خاص گروهی که از موقعیت ممتاز اجتماعی برخوردارند نمی شود. دقت در احوال زنان مسلمان شاخص؛ هم بیانگر کثرت ایشان (مصادیق آن در متن ذکر شد) از حیث تعداد است و هم بیانگر آنست که اغلب کمترین وابستگی به طبقات اشرافی و حکومتی نداشته اند. و این امتیاز اساسی اسلام در توجه به جایگاه اصیل زنان است؛ یعنی زن بعنوان زن و نیمی از بدنه جامعه مورد توجه بود نه بدلیل وابستگی های طبقاتی. بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم و تلاش رسول گرامی (ص) مصروف رفع مشکلات زنانی می شد که نیمی از بدنه هر جامعه انسانی را به خود اختصاص داده اند.

۷- نقش زنان در جامعه امروزی با توجه به سبک زندگی اسلامی

با توجه به فرمایش حضرت امام(ره): "زنان باید در مقدرات اصلی کشور دخالت کنند" این یک امر ضروری برای حفظ، تداوم و تثبیت انقلاب است، باید مقدرات اساسی بازشناسی شود تا نقش زنان در آن تبیین گردد. رسالت زنان امروزی، حضور مستمر و آگاهانه در صحنه های سیاسی، اجتماعی و دفاع و دیده بانی از ارزش های نظام مقدس اسلامی است. این امر ارمان اندیشه بلند امام(ره) می باشد. اگر زن مسلمان دیروز دوشادوش مردان برای اقامه ارزش های الهی قیام کرده و پس از آن نیز رشادت ها داشته، امروزه نیز وظیفه خود می داند که با انگیزه الهی در صحنه حضور داشته باشد. علاوه بر هر آنچه بیان شد زن، رسالت تربیت سربازانی تازه نفس را برعهده دارد تا در آینده نیز از ارزش های این نظام مقدس پاسداری نمایند. اینجاست که نقش زنان امروزی در تحکیم بنیان خانواده نمایان می شود. چراکه تربیت چنین سربازانی تنها در خانواده ای که براساس آموزه های اسلامی و عمل به آن استوار است میسر می گردد؛ رهبر معظم انقلاب می فرمایند: "یک نکته دیگر که باید مورد توجه باشد، دفاع اخلاقی و قانونی از زن، بخصوص در داخل خانواده است. دفاع قانونی با اصلاح و ایجاد قوانین لازم و دفاع اخلاقی با طرح این مسئله و مواجهه با کسانی که این را درست نمی فهمند و زن را در خانه، مستخدم، مورد ستم مرد، بدون تمکین از خودسازی معنوی تلقی می کنند و اینگونه هم عمل می کنند. با این فکر باید با قوت و شدت مقابله بشود. البته بشکل کاملاً منطقی و عقلانی؛ دفاع اخلاقی". بنابراین آینده فرهنگی یک ملت بدون ایفای نقش زنان ممکن نخواهد بود. به همین دلیل است که مقام معظم رهبری نیز به دفعات بر نقش پررنگ زنان تأکید فرموده اند و مسایل زنان را از مسایل درجه اول نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران می دانند؛ به گفته مقام معظم رهبری: "یکی از بزرگترین خطرات برای هر انسانی - بخصوص نسل جوان- اینست که در مقابل حوادث، رویدادها و پدیده های جامعه دچار بی فکری و بی تشخیصی بشود. زندگی بدون مبارزه، زندگی راکد، ساکن، بی تحرک است و این زندگی مطلوبی نیست و انسان را به آرمان های انسانی و اسلامی نمی رساند. دختران و پسران جوان باید خودشان را بسازند. یک ملت اگر بخوهد راه رشد و کمال و پیشرفت را طی بکند، باید از لحاظ ایمان فکری، بجای محکمی متکی باشد، دشمن روی دختران و پسران جوان سرمایه گذاری های زیادی می کند. عده ای را به بی تفاوتی می کشاند و عده ای را دلسرد و مایوس می کند. جوان امروز نباید بدنبال تقلید باشد؛ دشمنان برای اخلاق و فکر و عقیده و ایمان جوانان ما برنامه ریزی می کنند. آنها می خواهند نسلی که الگوی جوانان فداکار برجسته دنیا شد، به یک نسل بی خاصیت تبدیل شود".

۸- نتیجه گیری

پیروان آدلر به تفصیل درباره سبک زندگی، شکل گیری آن در دوران کودکی، نگرش های اصلی دخیل در سبک زندگی، وظایف اصلی زندگی و تعامل آنها با یکدیگر بحث کردند و آن را در قالب درخت سبک زندگی نشان دادند. آنها همچنین مفاهیم ارزشی، انسان شناختی و فلسفی را مطرح ساختند و تمام زندگی را بصورت یکپارچه به تصویر کشیدند. سبک زندگی مهمترین عاملی است که هرکس زندگی خود را براساس آن تنظیم می کند. براین اساس، سبک زندگی مجموعه عقاید، طرح ها و نمونه های عادی رفتار، هوی و هوس ها، و شیوه های تبیین شرایط اجتماعی یا شخصی است که نوع خاص واکنش فرد را تعیین می کند(فاجینو ۱ و همکاران، ۲۰۰۳). در این سبک زندگی جایگاه و منزلت زن مسئله مهمی است که در این جستار بدان پرداخته شد؛ زن بعنوان نیمی از انبوه بشریت در هر مقطع از تاریخ و در هر جامعه از جوامع انسانی و نیز بعنوان مادر و یا

همسر و همراه و شریک شیرینی و تلخی های زندگی، همواره با دو نگاه از سوی مردان روبرو بوده است؛ نگاهی از سر شیفتگی، احترام و تکریم و تمناً و نگاهی از ره خصومت، فرودستی، بدبینی و تحقیر؛ آثار، عقاید و ادبیات برجای مانده از ملت ها و اقوام سداستان ها، شعرها، رسوم، آیین ها و ضرب المثل ها- بخوبی نشان می دهد که این دو نگرش در میان جوامع مختلف با شدت ها و ضعف هایی وجود داشته است و زن متناسب با هر یک از این دو رویکرد و داوری، جایگاهی عزتمند و مقتدر و تأثیرگذار یا موقعیتی دشوار، مشقت بار و رنج آور را به خود دیده است (انصاف پور، ۱۳۴۸، ص ۵۸). موضوع زن، بعنوان بدنه ای از جامعه انسانی، به همان پایه، قابل بررسی و ژرف نگری است که انسان، شایسته شناخت و بررسی است و هرگونه تحلیل و بررسی ابعاد حیات زن، منهای ویژگی های صنفی و جنسی، در واقع، تحلیل حیات انسان بشمار می آید. از اینرو شناخت زن و منزلت و مقام او در حقیقت، شناخت انسان و کرامت اوست. این نیز تردیدناپذیر است که شناخت انسان از خود، معیار دیگر شناخت هاست. به این جهت انسان بعنوان نخستین گام در شناخت، به ضرورت باید به ژرفنگری و کاوشگری در خویشتن پردازد و از ژرفای بیکرانۀ خویش، آگاهی هایی بدست آورد. در سبک زندگی اسلامی، چنانکه در متن مقاله بدان پرداخته شد زن هم مادر خانواده است و هم مادر اجتماع؛ توضیح اینکه بنیاد اساسی تربیت فرزندان این مرز و بوم و همچنین شکوفایی و بالندگی استعداد های فرزندان و مرد خانواده از رفتار زن در سبک زندگی اسلامی بر می خیزد. بنابراین نگاه کورکورانه و متعصبانه چه در وجه افراطی و چه در وجه تفریطی به مقام و جایگاه زن، ضربه مهلکی است که بر پیکره سبک زندگی چه در بعد اسلامی و چه در بعد ایرانی آن وارد خواهد کرد و کار نهادهای جامعه از جمله آموزش و پرورش را سخت خواهد نمود.

Archive of SID

منابع فارسی

الف) کتاب‌ها:

- ۱- ابن اثیر، عزالدین، الکامل، ترجمه محمد حسین روحانی (۱۳۷۰). چاپ اول، انتشارات اساطیر، تهران.
- ۲- افروز، غلامعلی (۱۳۸۱). مبانی روانشناختی ازدواج در بستر و ارزش های اسلامی، انتشارات بعثت، تهران.
- ۳- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۴۸). حقوق زن و مقام آن از آغاز تا اسلام، تهران، انتشارات آفتاب.
- ۴- بستان، حسین (۱۳۸۳). اسلام و جامعه شناسی خانواده تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۵- بهار، محمدتقی (۱۳۶۹). سبک شناسی ؛ ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۶- پیشوایی، مهدی (۱۳۸۲). تاریخ اسلام، چاپ اول، انتشارات معارف، قم.
- ۷- توسلی، محمد علی (۱۳۹۳). اصول عقاید در خانواده، بابل: انتشارات محمد ابراهیم توسلی
- ۸- الحرالعاملی، محمد بن حسین (۱۴۱۲ ه.ق). وسایل الشیخ، هج. ۱۵، قم: موسسه آل البيت.
- ۹- حسومی، ولی الله (۱۳۹۲). بایدها و نبایدهای سبک زندگی اسلامی؛ زاهدان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۰- خامنه ای، سید محمد (۱۳۷۵). حقوق زن، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۱- خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۸۹). جریان شناسی ضد فرهنگ ها. قم: موسسه فرهنگی حکمت اسلام.
- ۱۲- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۳- شریعت پناه (۱۳۹۲). قواعد و الگوها در سبک زندگی اسلامی. نشریه پیامدهای انقلاب شماره ۴۸.
- ۱۴- شفیع آبادی، عبدالله، و ناصری، غلامرضا (۱۳۷۱). نظریه های مشاوره و روان درمانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۵- شفییعی مازندرانی، سیدمحمد (۱۳۸۳). رهنمودهای جاودانه چاپ اول، مرکز نشر هاجر، قم.
- ۱۶- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). کلیات سبک شناسی. تهران: نشر میترا.
- ۱۷- شیخی، محمد تقی (۱۳۸۰). جامعه شناسی زنان و خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۸- صدوق، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۷۰). خصال تهران: نشر کتابچی.
- ۱۹- طباطبایی، محمدحسین. المیزان، ج ۲۰، ترجمه موسوی همدانی (۱۳۸۷). چاپ ۲۶، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان، ترجمه علی کرمی (۱۳۸۰). چاپ اول، سازمان انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران.
- ۲۱- عربی، حسین علی (۱۳۸۸). تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).
- ۲۲- غلاسوند، فریبا (۱۳۸۶). مهارتهای زندگی با رویکرد دینی، تهران: انتشارات سروش هدایت.
- ۲۳- فاضلی، محمد (۱۳۸۲) مصرف و سبک زندگی، تهران: نشر صبح صادق.
- ۲۴- فرهنگ لغات آکسفورد،
- ۲۵- فرهنگ لغات وبستر،
- ۲۶- قائمی، علی (۱۳۶۸). نقش مادر در تربیت، تهران: انتشارات امیری.
- ۲۷- کاویانی، محمد (۱۳۹۱). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم: نشر سبحان.

- ۲۸- گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). جنگ علیه خانواده، برگردان و تلخیص معصومه محمدی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ۲۹- گیدنز، آ (۱۳۸۵). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- ۳۰- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار. بیروت: موسسه الوفاء.
- ۳۱- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۲- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ شصت و یکم، صدرا، قم.
- ۳۳- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۴- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۱). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (س)، ویراست ۲، چاپ چهاردهم، تهران: تحقیق و نشر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ۳۵- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسایل بیروت: موسسه آل البیت.
- ۳۶- نوری همدانی، حسین-آیت الله (۱۳۸۴). جایگاه بانوان در اسلام، انتشارات مهدی موعود (عج) چاپ چهارم، قم.
- ۳۷- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۴). تاریخ، ج ۱، ترجمه محمدابراهیم آیتی، چاپ هفتم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- (ب) مقالات:**
- ۱- امام جمعه زاده، سید جواد؛ مرنودی، زهره؛ رهبر قاضی، محمود رضا؛ سعیدی ابواسحاق، لیلا (۱۳۹۲). بررسی رابطه مصرف رسانه و سبک زندگی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان. فصلنامه پژوهش های ارتباطی، شماره ۱۰۱. تا ۲: ۱۲۰.
- ۲- تنهایی، حسین (۱۳۸۹). بررسی رابطه جامعه شناختی باورهای دینی و سبک زندگی؛ مجله پژوهش اجتماعی، سال سوم، شماره ششم.
- ۳- خطیبی، حسین؛ ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۲). مروری بر شاخص های سبک زندگی اسلامی. مجله معرفت. شماره ۱۸۵: ۱۳-۲۶.
- ۴- خوش طینت، ولی اله (۱۳۹۱). تأثیر التزام عملی به اعتقادات اسلامی از طریق سبک زندگی سالم بر گرایش دانشجویان به مصرف مواد مخدر، فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی سلامت، شماره ۱ تابستان ۱۳۹۱.
- ۵- رجب نژاد، محمدرضا؛ حاجی، یحیی؛ مهدوی طالب، امیر؛ رجب نژاد، سعید (۱۳۹۱). بررسی سبک زندگی اسلامی از منظر حیات طیبه در قرآن. نشریه علمی و پژوهشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی: شماره ۹-۲۹.
- ۶- کاویانی، محمد (۱۳۹۰). کمی سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی. فصلنامه روانشناسی و دین، سال چهارم: ۲۷-۴۴ ش.
- ۷- مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۶). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. فصلنامه تحقیقات: ۱۹۹ فرهنگی. سال اول. شماره ۲۳۰.
- ۸- هادوی، اصغر (۱۳۹۱). آغاز سبک زندگی اسلامی از خراسان شمالی. ماهنامه پاسدار اسلام. شماره ۴۲-۴۳.
- (ج) منابع الکترونیکی:**
۱. امام خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱). پایگاه اینترنتی، بیانات امام خامنه ای در جمع جوانان استان خراسان شمالی.

منابع لاتین

۱. Chaney, D. (۱۹۹۶) Lifestyle, London, Routledge. P .۱۹۶
۲. Chney.david(۲۰۰۲) , lifestyles, taylor, London.
۳. Cockerham, W. C. (۲۰۰۵). Health lifestyle theory and the convergence of agency and structure. Journal of Health and Social Behavior , ۴۶, ۵۱-۶۷.
۴. Fuchino, Y., Mizoue, T., Tokui, N., Ide, R., Fujino, Y., Yoshimura, T. (۲۰۰۳). Health-related lifestyle and mental health among inhabitants of a city in Japan. Nippon-Koshu-Eisei-Zasshi, ۵۰, ۳۰۳.
۵. Oxford Advanced learner,s dictionary,A.S.Hornby,fifth edition,Oxford University press, England,۲۰۰۰.
۶. Plasker, E. (۲۰۰۷). The ۱۰۰-Year lifestyle. Adams Media, an F+W publications company. U.S.A.
۷. Sheyes.misheline(۱۹۸۷), the power of lifestyle, society and leisure ۱۰, no۲.
۸. Stampfer, M. J., Hu, F. B., Manson, J. E., Rimm, E. B., & Willett, W. C. (۲۰۰۰). Primary prevention of coronary heart disease in women through
۹. Webster,s new collegiate dictionary ,eithg edit,G &C Merrriam company U.S.A, ۲۰۰۴.

Archive of SID